

## سازه مفهومی انتظار در اندیشه مهدویت<sup>۱</sup>

احمد مسائلی<sup>۲</sup>

ناهید فرقانی تهرانی<sup>۳</sup>

### چکیده

در پژوهش‌های دینی، «مفهوم‌شناسی» واژه‌ها از بایسته‌های اساسی به شمار می‌رود؛ زیرا وارد شدن به مباحث اصلی برآن مترتب است. مفهوم‌شناسی واژه «انتظار» به عنوان مسئله اصلی این پژوهش، در تحلیل و تبیین مباحث مربوط به موعودگرایی بسیار ضروری است؛ زیرا کاربرد نادرست و نامفهوم آن موجب مغالطه و خلط در موضوع و خروج از بحث می‌گردد. این نوشتار با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی، تلاشی است به منظور شناخت و تعریف سازه انتظار که طی آن، علاوه بر واژه‌شناسی، به بررسی دقیق مدلول استعمالی و اصطلاحی و نیز جایگاه آن در کل نظام معنایی پرداخته و در نهایت به این نتیجه دست یافته است که سازه انتظار، در مبانی تفکر اسلامی عبارت است از حالت نفسانی و کیفیتی روحانی که گویای توجه و اشتیاق و آرزوی تحقق امر خیری است که تحقق آن نزدیک است و اگر واژه انتظار در مفهوم عالی آن، به گونه‌ای صحیح تفسیر و تبیین گردد، باعث نشاط روحی و معنوی و رشد اخلاقی گردیده و آینده روشن و سعادت جاودانه انسان‌ها را تضمین می‌کند.

**واژگان کلیدی:** سازه انتظار، تفکر اسلامی، مفهوم‌شناسی، تحلیل مولفه‌ای، گوهر معنایی.

۱. مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی تطبیقی نقش انتظار در مذهب شیعه و آیین مسیحیت» می‌باشد.

۲. استادیار گروه معارف دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر (نویسنده مسئول)

ahmadmasaeli@gmail.com

۳. فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد رشته معارف قرآن دانشگاه قرآن و عترت اصفهان

nahid.forghani95@gmail.com

## مقدمه

شناخت سازه مفهومی «انتظار» در مبانی تفکر اسلامی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است؛ زیرا با توجه به آثار و کارکردهای انتظار موعود در تفکر اسلامی و بالخصوص شیعی، تحقق و تجلی انتظار در معنای واقعی‌اش، مایه پویایی، تحول و نشاط معنوی و مانع رکود فکری و انحطاط روحی و انزوای سیاسی و اجتماعی می‌گردد.

اولین مرحله درک هر اثر تحقیقی، واژه‌شناسی است که طریقی برای راهیابی به معنای مورد نظر گوینده یا نویسنده است. با توجه به این‌که بعضی از واژه‌ها، از جمله انتظار حاکی از یک حالت روان‌شناختی است، این واژه در قالب مفهوم شناسی سازه‌های روان‌شناختی مطرح می‌گردد.

مفهوم شناسی یکی از مهم‌ترین بایسته‌ها در دین پژوهی متن محور است؛ زیرا ۱. پیش از آن که درباره هر موضوع دینی سخن به میان آید، لازم است تعریف دقیق آن مشخص تا مشخص شود، درباره چه چیزی قرار است بحث کنیم؛ ۲. فهم و تبیین دقیق بسیاری از گزاره‌ها (اگر نگوییم همه آن‌ها) به فهم موضوعی منوط است که گزاره درباره آن است. بدون شناخت مفهوم موضوع یا موضوع‌های آیه یا حدیث نمی‌توان فهم دقیقی از متن به دست آورد؛ ویژگی‌ها و رابطه آن‌ها را شناخت و سپس تبیین کرد؛ ۳. دقت در جست‌وجوی متون و انتخاب واژه‌های اصلی بر مفهوم شناسی متوقف است؛ ۴. یکی از مسائل مهم شناخت «نظام موضوعات» است. نظام و مناسبات موضوعات از راه تشخیص جایگاه هر موضوع و چگونگی ارتباط آن با دیگر مفاهیم به دست می‌آید و جز با مفهوم شناسی حاصل نمی‌شود. چنانچه موضوعات را به درستی نشناسیم، جایگاه هریک و نحوه تعامل آن‌ها روشن نمی‌شود (پسندیده، ۱۳۹۶: ص ۷۰۶۹).

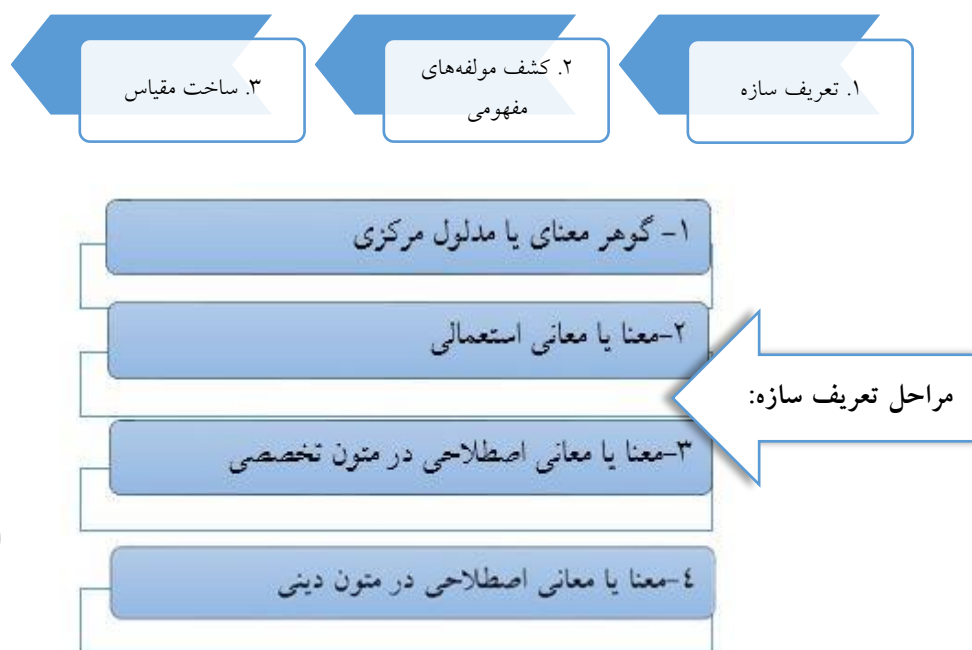
قابل ذکر است که سازه‌های روان‌شناسی عبارت است از عناصر معنایی و روابط میان آن‌ها در هر مفهوم. سازه‌های روان‌شناسی دارای مولفه‌های مفهومی است که چنانچه مولفه‌های مفهومی دارای جهت واحدی باشند، ابعاد مفهومی نام‌گذاری می‌گردند و هریک از مولفه‌های مفهومی اشاره به یک نشانگر در روان‌شناسی دارد.

تعریف سازه یا تحقیق کیفی یک سازه نیز در مراحل سه‌گانه «گوهر معنایی»، «معنا یا معانی استعمالی» و «معنا یا معانی اصطلاحی» در بین دانشمندان یک فن یا متون تخصصی یا در



مراحل چهارگانه «گوهر معنایی»، «معانی استعمالی»، «معانی اصطلاحی در متون تخصصی» و «معانی اصطلاحی در متون دینی» (scared Text) مطرح می‌گردد. این فرض در مواردی است که یک سازه هم در متون تخصصی (علمی، فلسفی و شهودی) و هم در متون دینی به آن پرداخته شده باشد. در هریک از مراحل سه‌گانه یا چهارگانه مذکور، می‌توان به بحث تحلیل مولفه‌ای پرداخت و مولفه‌های سازه مورد نظر را استخراج کرد و تحقیق کیفی را به سرانجام رسانید.

### مراحل اجرای تحقیق کیفی بر روی یک سازه روان‌شناختی



در این مقاله به منظور شناخت مفهوم سازه انتظار و کشف گوهر معنایی آن، ابتدا به آثاری چون معجم مقاییس اللغة، العین و مفردات رجوع و نیز دیدگاه لغت‌شناسان و علمای دین و متون دینی و معصومان بررسی و سپس تعاریف لغوی، استعمالی و اصطلاحی انتظار و مولفه‌های مفهومی آن‌ها استخراج گردیده و در نهایت به معنایی متعالی و اثربخش دست یافته است.

## شرایط فهم یک سازه (مفهوم شناسی)

برای فهم یک سازه روان شناختی، به طی مراحل روش فهم یک سازه نیازمند هستیم و سوال اصلی در روش فهم یک سازه عبارت است از این که چگونه می توان هر مفهوم را در منابع اسلامی به گونه ای توصیف کرد که برای عملیاتی سازی آن به عنوان موضوعی برای پژوهش های توصیفی به کار آید.

بعد از پذیرش شناختاری بودن متن مقدس (اگرچه متون مقدس نیز دارای گزاره های سمبلیک یا تمثیلی هستند) و پس از پذیرش امکان دست یابی به معنای متن؛ به بررسی این موضوع نوبت می رسد که چگونه می توان به این امر دست یافت.

قابل ذکر است که شناخت دین اسلام (بر اساس مبانی تشیع) تنها از طریق متون مقدس تحقق نمی یابد و منابع دیگری مانند عقل و اجماع نیز به عنوان منابع فهم احکام مطرح می گردند.

در پاسخ به سوال پیش گفته باید گفت متد شناسی فهم دین با رعایت موقعیت سمانتیکی و موقعیت هرمنوتیکی تحقق پیدا می کند و چنانچه کسی دارای فهمی از متون مقدس باشد (هر چند این فهم برای اولین بار اتفاق افتاده باشد) و این فهم با رعایت موقعیت سمانتیکی و هرمنوتیکی تحقق پیدا کرده باشد؛ این فهم قابل طرح است.

دیدگاه نظریه پردازان شیعی در مورد شناختاری یا غیر شناختاری بودن قرآن مجید عبارت است از این که آیات الاهی اساسا دارای بعد شناختاری هستند؛ ولی وجود آیاتی که ممکن است دارای بعد سمبلیک و تمثیلی باشند نیز مورد پذیرش است (علامه طباطبایی، ۱۳۶۷: ج ۱، ص ۱۷۵).

## موقعیت سمانتیکی

همان طور که متذکر شدیم، متدشناسی فهم دین بر رعایت موقعیت سمانتیکی و هرمنوتیکی متوقف است. معناشناسی زبانی یا موقعیت سمانتیکی (language-semantics) گونه ای از دانش معناشناسی است که به چگونگی کشف معنا می پردازد. معناشناسی با منطق و فلسفه در ارتباط است؛ اما معناشناسی زبانی به معنای کشف چگونگی کارکرد ذهن در کشف معنا از طریق خود زبان است، نه دانش خارج از آن و به طور خلاصه معنا شناسی زبانی از معانی واژه ها و



جملات زبانی بحث می‌کند (رکعی و نصرتی، ۱۳۹۶).

### مفهوم شناسی

مفاهیم، اجزای اصلی پیکر علم و سنگ بنای نظریه‌های علمی هستند (ایمان، ۱۳۸۸: ص ۲۷). مفهوم شناسی فرآیند بازشناسی این اجزا است. مفهوم شناسی، فرآیند بررسی و شناسایی قصد، معنای متن و افعال فردی و اجتماعی استفاده کننده مفهوم در مجرای زبان است.

### تحلیل مولفه‌ای

«تحلیل مولفه‌ای» در زبان شناسی به بررسی ارتباط بین واژه‌ها از طریق مولفه‌های تشکیل دهنده آن اشاره می‌کند (صفوی، ۱۳۸۴: ص ۷۱). بر این اساس، فهم معنای هر ویژگی روان‌شناختی و آگاهی از این‌که چه ویژگی‌هایی در تقابل با یکدیگر هستند، از طریق تحلیل مولفه‌ای امکان پذیر است.

### مفهوم شناسی در گستره مفاهیم اسلامی

«مفهوم شناسی در گستره مفاهیم اسلامی»، مشخص کردن مجموعه‌ای از مولفه‌های مفهومی را شامل می‌شود که از بودن یا نبودن مفهوم خاصی حکایت می‌کنند. این مولفه‌های مفهومی خود به نشانگرهای رفتاری یک سازه روان‌شناختی اشاره می‌کنند. مولفه‌های مفهومی به موضوعات مشاهده پذیر و مشاهده ناپذیر اشاره می‌کند که احتمالاً دارای وجوه مشترک است.

### کاربرد کلمات در متون

کاربرد کلمات یا واژگان در متون یا در تمام زبان‌ها، دارای حالت‌های متفاوت است. این کاربردها ممکن است به سه صورت اتفاق بیفتد:



گوهر معنایی یا مدلول مرکزی یا حوزه معنایی

معانی استعمالی یا معنای استعمالی

معانی اصطلاحی یا معنای اصطلاحی

### الف) گوهر معنایی

مقصود از «روح و گوهر معنا»، مفهوم اولیه و بسیطی است که به شکل‌های گوناگون در آمده و در قالب مصادیق متعدد عرضه شده است و در تمامی معانی استعمالی و اصطلاحی سریان و جریان دارد. با درک روح معنا یا گوهر معنایی، تفاوت کاربردهای استعمالی الفاظ و ظرافت‌های موجود در الفاظ روشن می‌گردد. الفاظ به‌کار رفته در زبان‌ها، در بعضی موارد دارای یک گوهر معنایی و در بعضی موارد دارای دو یا سه گوهر معنایی است. قابل ذکر است، گوهر معنایی یا روح معنایی از راه‌های گوناگونی امکان دارد؛ همانند مراجعه به کتاب‌های لغوی که به این امر پرداخته‌اند و به کشف گوهر معنایی اقدام کرده‌اند، (همانند «معجم مقاییس اللغه» احمد بن فارس) یا بررسی موردی الفاظ و کشف گوهر معنایی. به‌عنوان مثال، گوهر معنایی واژه «کفر»، پوشاندن است که در موارد استعمالی متعدد به‌کار رفته است (مسائلی، ۱۳۹۶: ص ۱۲۴).

### ب) معانی استعمالی

منظور از «معانی استعمالی»، کاربرد روح معنا یا گوهر معنایی به همراهی معنای جدید در میان عامه مردم است (همان، ص ۱۳۶). البته وجود معانی استعمالی متعدد برای یک لفظ الزامی نیست و ممکن است یک واژه دارای چنین کاربردهایی شده باشد. به‌عنوان مثال واژه «کفر» دارای معانی متعددی است. این واژه به معنای تاریکی شب و همچنین کوه بزرگ و قله کوه استعمال شده است و نیز درباره قیری که با آن، کشتی را قیر اندود می‌کنند، به‌کار رفته و افزون بر این معانی، به معنای دریا، نهر، کشاورز، ابر تیره، گیاه و کسی که در جایی مقیم و پنهان باشد، به‌کار رفته است (شرتونی، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۱۰۹۲).



## ج) معانی اصطلاحی

«معانی اصطلاحی» عبارت است از کاربرد گوهر معنایی با عنصر یا عناصر مفهومی جدید در بین گروهی خاص، همانند دانشمندان یا صاحبان حرفه‌ها. کاربرد کافر در متون دینی به عنوان کسی که حقیقت دینی را بپوشاند، بر همین اساس قابل طرح است (مسائلی، ۱۳۹۶: ص ۱۲۴).

### نظریه حوزه‌های معنایی (گوهر معنایی)

یکی از نظریه‌های مرتبط با دانش معناشناسی زبانی که زمینه مناسبی را برای مفهوم شناسی یا مفهوم سازی فراهم می‌کند «نظریه حوزه‌های معنایی» است.

این نظریه، طرحی انسجام یافته از نظام مفاهیم واژگانی زبانی است که تریر (۱۹۳۱-۱۹۳۴م) و وایزگیر (۱۹۵۴م) عرضه کردند و پس از آن، محل توجه زبان شناسان دیگر قرار گرفت (شجاعی و دیگران، ۱۳۹۳). نگرش حوزه‌های معنایی بر این پایه است که اشتراک در یک ویژگی می‌تواند عاملی برای طبقه بندی واژه‌ها در یک حوزه باشد.

نظریه حوزه‌های معنایی بر تعدادی از اصول تبعی مربوط به معنا شناسی زبانی مبتنی است. یکی از این اصول «تحلیل مؤلفه‌ای» است (این همان نظریه مدلول مرکزی یا گوهر معنایی است).

نظریه حوزه‌های معنایی، با توجه به اشتراک واژه‌ها در یک مفهوم شکل می‌گیرد و تنها نیازمند شناخت این وجه اشتراک است که از راه‌های گوناگونی، از جمله تحلیل مؤلفه‌ای قابل دستیابی است.

راه‌های کشف گوهر معنایی یا حوزه‌های معنایی در دو محور مراجعه به کتاب‌هایی که در این زمینه به منظور کشف گوهر معنایی تالیف شده است؛ همانند کتاب «معجم مقاییس اللغه»، یا از طریق بررسی کاربردهای استعمالی و استخراج معنای مشترک امکان پذیر است.

«انتظار» یکی از سازه‌های روان‌شناختی است و خاستگاه آن قولی، قلبی و عملی است که در متون تخصصی و متون دینی به آن پرداخته شده است. به منظور شناخت این پدیده روان‌شناختی، ضروری است مراحل چندگانه گذشته را مورد بررسی قرار داد.

مفاهیمی چون توقع، امید، تهیی، تربص و توكف، از مفاهیم نزدیک به معنای انتظار است که



در متون دینی نیز بکار رفته و مفاهیمی چون یاس و کسل از معانی متضاد با معنای انتظار است که در متون دینی در برابر مفهوم انتظار به کار رفته است.

## ۱. گوهر معنایی واژه انتظار

بشر با توجه به پیدایش و پیشرفت علوم، با مشکل اساسی مفاهیم لغوی و اصطلاحی در علوم مختلف مواجه است که بر همین اساس، قبل از هر پژوهش یا بررسی علمی، لازم است مفاهیم به کار رفته در پژوهش یا بررسی علمی مورد نظر تحلیل و معانی مورد نظر از آن کلمات مشخص گردد. اگر این عمل صورت نگیرد، اشتباهات بسیار بزرگی در بررسی‌های علمی اتفاق خواهد افتاد (مسائلی، ۱۳۸۱: ص ۳۰). بر همین اساس، قبل از شروع در بحث به توضیح گوهر معنایی واژه «انتظار» می‌پردازیم:

همان طور که متذکر شدیم، نحوه کشف گوهر معنایی به دو صورت امکان‌پذیر است: مراجعه به کتاب‌هایی که در این زمینه تالیف شده یا کشف معنا از طریق کاربردهای استعمالی یا اصطلاحی.

به منظور فهم واژه «انتظار»، ابتدا باید تعاریف لغت‌شناسان را جمع‌آوری کرد و پس از بررسی و تحلیل تعاریف و توجه به ابعاد گوناگون واژه، تصویر دقیقی از دیدگاه لغت‌شناسان به دست آورد و سپس دیدگاه‌های متفاوت را بررسی و جمع‌بندی کرد تا به تعریفی جامع و کامل و دیدگاهی کلی دست یافت.

واژه «انتظار» از ریشه «نَظَرَ» است، به معنای «نگاه با تأمل و دقت» که در باب «افتعال» به کار برده شده است. از مرتبطات معنایی آن «تأنی» و «ترقیب» (انطون، ۱۳۷۷: ص ۷۱۳-۷۱۴) و «المکث» (فراهیدی، ۱۴۱۰: ج ۵، ص ۳۵۳) قابل اشاره‌اند که به ترتیب به معنای «درنگ کردن» و «چشم به راهی» و «ایست و درنگ» هستند.

در کتاب *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم* آمده است: «النَّظَرُ تَأْمُلُ الشَّيْءِ بِالْعَيْنِ وَكَذَلِكَ النَّظْرَانُ. وَهُوَ تَأْمُلُ الشَّيْءِ وَمُعَايَنَتُهُ؛ نظر نگاه با دقت و تأمل در یک چیز و همین معنا را دارد نظران و آن عبارت از نگاه با تأمل در چیزی است» (مصطفوی، ۱۳۸۵: ج ۱۲، ص ۱۸۴).

در کتاب *العین فراهیدی* آمده است: «نَظَرْتُ فَلَانًا وَانْتَهَرْتُه بِمَعْنَى، فَإِذَا قُلْتَ: انتَظَرْتُ فَلَمْ يُجَاوِزَكَ





فَعَلَهُ فَمَعْنَاهُ وَقَفْتُ وَمَهَلْتُ؛ نظر کردم به فلانی و انتظارش را کشیدم به یک معنا است پس به او فعلش نرسیده است پس معنایش این است که درنگ نمودم و مهلت دادم» (فراهیدی، ۱۴۱۰: ج ۸، ص ۱۵۶).

در لسان العرب ابن منظور آمده است: «وَالنَّظَرُ: الْإِنْتِظَارُ. يُقَالُ: نَظَرْتُ فَلَانًا وَانْتَظَرْتُهُ بِمَعْنَى وَاحِدٍ، فَإِذَا قُلْتُ انْتَظَرْتُ فَلَمْ يُجَاوِزْكَ فِعْلَكَ فَمَعْنَاهُ وَقَفْتُ وَمَهَلْتُ. وَمِنْهُ قَوْلُهُ تَعَالَى: انْظُرُونَا نَقْتَسِبْ مِنْ نُورِكُمْ؛ نظر همان انتظار است و به فلانی نظر کردم و انتظارش را کشیدم به یک معنا است پس هرگاه بگوئی انتظارش را کشیدم پس به او فعلت نرسیده است پس معنایش این است که درنگ نمودم و مهلت دادم و به همین معنا است کلام خداوند متعال (درنگ نمایید تا از نور شما اقتباس کنیم)» (ابن منظور، ۱۴۲۶: ج ۵، ص ۲۱۶).

در مُعْجَمِ الْأَخْلَاطِ اللَّغَوِيَّةِ الْمُعَاَصِرَةِ آمده است: «نَظَرُهُ بِمَعْنَى: أَرْتَقِبُ حُضُورَهُ؛ چشم به راه حضورش شد» (عدنانی، ۱۹۹۹: ص ۶۹۲).

لوییس معلوف در کتاب فرهنگ دانشگاهی عربی به فارسی آورده است: «إِنْتَظَرَهُ = انتظاراً (نظر)، یعنی چشم به راه او شد، انتظار داشت و بردباری کرد» (معلوف، ۱۳۸۶: ص ۱۸۴).  
در کتاب مجمع البحرين آمده است: «نظر، توجه کامل و توجه نکردن به غیر آن است» (طریحی، ۱۹۸۹: ج ۳، ص ۴۹۷).

### مولفه‌های مفهومی گوهر معنایی انتظار

بر اساس تعریف احمد بن فارس در کتاب معجم مقاییس اللغة (ج ۲، ص ۱۳۱۶) و نیز راغب اصفهانی در کتاب مفردات (ص ۴۹۷)، مولفه‌های مفهومی گوهر معنایی کلمه انتظار عبارت است از:

#### مولفه‌های مفهومی گوهر معنایی انتظار (نظر)

نام کتاب	تعریف	مولفه‌های مفهومی گوهر معنایی
	نظر: التَّوَنُّ وَالرَّاءُ أَصْلُ صَحِيحٍ يَرْجِعُ فُرُوعُهُ إِلَى مَعْنَى وَاحِدٍ وَهُوَ تَأْمُلُ الشَّيْءِ وَمُعَايَنَتُهُ ثُمَّ يُسْتَعَارُ وَيُسَّعَ فِيهِ	۱. یک حالت روانی (پدیده روان شناختی)



<p>۲. توجه کردن به یک شیء          ۳. آرزو کردن و طلب کردن تحقق          یک شیء</p>	<p>فَيَقَالُ: نَظَرْتُ إِلَى الشَّيْءِ أَنْظُرَ إِلَيْهِ إِذَا عَايَنْتَهُ... وَيَقُولُونَ: نَظَرْتُهُ، أَيِ انْتَهَرْتُهُ وَهُوَ ذَلِكَ الْقِيَاسُ، كَأَنَّهُ يَنْظُرُ إِلَى الْوَقْتِ الَّذِي يَأْتِي فِيهِ...؛ نون و ظاء و راء ریشه صحیحی است که تمام فروعش به یک معنا بر می‌گردد و آن عبارت است از نگاه با تامل به یک چیز سپس این معنا استعاره گرفته شده و در آن وسعت داده شده است پس گفته می‌شود به چیزی نظر کردم و نظر می‌کنم به او هرگاه چیزی را نگاه کنی و می‌گویند: نظر کردم به معنای منتظر ماندم و به یک معنا است.»</p>	<p>معجم مقاییس اللغة</p>
<p>۱. یک حالت روانی (پدیده روان شناختی)          ۲. توجه کردن به یک شیء          ۳. شیء مورد توجه دیده شود یا دیده نشود</p>	<p>تَقْلِبُ الْبَصَرِ وَالْبَصِيرَةَ لِذَلِكَ الشَّيْءِ وَرُؤْيِيَّتِهِ، وَقَدْ يُرَادُ بِهِ التَّأَمُّلُ وَالْفَحْصُ، وَقَدْ يَرَادُ بِهِ الْمَعْرِفَةُ الْحَاصِلَةُ بَعْدَ الْفَحْصِ، وَهُوَ الزَّوْيَةُ؛ نظر به معنای برگرداندن چشم برای درک یک چیز یا رویتش است و گاهی به معنای تامل و گشتن و گاهی به معنای معرفت حاصل شده بعد از تفحص و جستجو است.»</p>	<p>مفردات راغب</p>

### مفهوم انتظار (نظر) از دیدگاه لغت شناسان

مفهوم	تعریف	لغت شناس / کتاب
درنگ کردن و مهلت دادن	نَظَرْتُ فَلَانًا وَانْتَظَرْتُهُ بِعَنَى، فَإِذَا قُلْتَ: انْتَظَرْتُ فَلَمْ يُجَاوِزْكَ فَعَلَهُ فُعْنَاهُ وَقَفْتُ وَمَهَلْتُ؛ نظر کردم به فلانی و انتظارش را کشیدم به یک معنا است پس هرگاه بگوئی منتظر ماندم پس فعل او به شما نرسیده است پس معنایش توقف کردم و مهلت خواستم.»	خلیل بن احمد فراهیدی، «العین»
امید به آینده	«درنگ در امور» و «نگهبانی» و «چشم به راه بودن و نوعی امید داشتن به آینده»	حسن مصطفوی، «التحقیق فی کلمات القرآن»
آرزو کردن و توجه به یک چیز	وَهُوَ تَأَمُّلُ الشَّيْءِ وَمُعَايَنَتُهُ... نَظَرْتُهُ، أَيِ	ابن فارس، «معجم»



	<p>اِنْتَضَرْتُهُ. وَهُوَ ذَلِكَ الْقِيَاسُ، كَأَنَّهُ يَنْظُرُ إِلَى الْوَقْتِ الَّذِي يَأْتِي فِيهِ وَهُوَ تَأْمُلُ الشَّيْءَ وَمُعَايَنَتُهُ.. نَظَرْتُهُ، أَيِ اِنْتَضَرْتُهُ. وَهُوَ ذَلِكَ الْقِيَاسُ، كَأَنَّهُ يَنْظُرُ إِلَى الْوَقْتِ الَّذِي يَأْتِي فِيهِ وَهُوَ تَأْمُلُ الشَّيْءَ وَمُعَايَنَتُهُ.. نَظَرْتُهُ، أَيِ اِنْتَضَرْتُهُ. وَهُوَ ذَلِكَ الْقِيَاسُ، كَأَنَّهُ يَنْظُرُ إِلَى الْوَقْتِ الَّذِي يَأْتِي فِيهِ</p>	مقایس اللغة»
<p>درنگ کردن و مهلت دادن</p>	<p>نَظَرْتُ فَلَانًا وَاِنْتَضَرْتُهُ بِمَعْنَى وَاحِدٍ، فَإِذَا قُلْتِ اِنْتَضَرْتُ فَلَمْ يَجَاوِزْكَ فِعْلُكَ فَعَنَاهُ وَقَفْتُ وَمَتَّهَأْتُ؛ وَهُوَ تَأْمُلُ الشَّيْءَ وَمُعَايَنَتُهُ.. نَظَرْتُهُ، أَيِ اِنْتَضَرْتُهُ. وَهُوَ ذَلِكَ الْقِيَاسُ، كَأَنَّهُ يَنْظُرُ إِلَى الْوَقْتِ الَّذِي يَأْتِي فِيهِ وَهُوَ تَأْمُلُ الشَّيْءَ وَمُعَايَنَتُهُ.. نَظَرْتُهُ، أَيِ اِنْتَضَرْتُهُ. وَهُوَ ذَلِكَ الْقِيَاسُ، كَأَنَّهُ يَنْظُرُ إِلَى الْوَقْتِ الَّذِي يَأْتِي فِيهِ نَظَرْتُ بِهِ فَلَانِي وَ اِنْتَضَارُش رَا كَشِيدِم بِهِ يَك مَعْنَا اِسْتِ پَس هِرْكَاه بَگُونِي اِنْتَضَارُ كَشِيدِم پَس عَمَلِي اَز تُو سِر نَزْدِه پَس مَعْنَايِش تُو قَف كَرْدِم وَ دَرَنگ نَمُودِم مِي بَاشَد.</p>	ابن منظور، «لسان العرب»
<p>درنگ کردن</p>	<p>و هُنَالِكَ نَظَرْتُهُ، اِنْتَضَرْتُهُ وَ تَنْظَرْتُهُ بِمَعْنَى: تَأْتِي عَلَيْهِ وَ قَدْ يَأْتِي الْفِعْلُ نَظَرْتُهُ بِمَعْنَى: اُرْتَقَبَ حُضُورُهُ؛ نَظَرْتُ كَرْد اُو رَا وَ اِنْتَضَارُ اُو رَا كَشِيدِ وَ تَنْظَرُ اُو رَا كَشِيدِ بِهِ يَك مَعْنَا اِسْتِ وَ بِهِ مَعْنَايِ دَرَنگ نَمُودِن اِسْتِ وَ گَاهِي فَعَلِي مَحْقُق مِي شُود وَ نَظَرُ كَرْد اُو رَا يَعْنِي حُضُورُش رَا خُوَاسْتَار بُوَد.</p>	محمد عدنانی، «معجم الأغلاط اللغوية»
<p>چشم به راهی</p>	<p>اِنْتَضَرْتُ = اِنْتَضَارًا (نَظَر) يَعْنِي چِشْمِ بِهِ رَاهِ اُو شَد؛ اِنْتَضَارُ دَاشْتِ وَ بَرْدِبَارِي كَرْد</p>	لوییس معلوف، «فرهنگ دانشگاهی عربی به فارسی»



صحاح، «جوهری»	النظر: تأمل الشيء بالعين، وكذلك النظران؛ نگاه با دقت و به همین معنا کلمه نظران است.	بصیرت دائم
محمد بن محمد زبیدی، «تاج العروس»	التَّوَقُّعُ: انتظار الوقوع	چشم به راهی
ابن اثیر، «النهایه»	إِنْتَظَرَ: إِذَا ارْتَقَبْتَ حُضُورَهُ؛ چشم به راه حضورش شد.	ظهورش را زیر نظر قرار داد
سعید شرتونی، «اقرب الموارد»	إِنْتَظَرَهُ: تَرَقَّبَهُ وَتَوَقَّعَهُ؛ چشم به راه او بود.	چشم به راهی و مراقبت
حسن بن عبدالله عسکری، «الفروق فی اللغه»	الانتظار و التوقع فهو طلب ما يقدر ان يقع؛ انتظار و توقع عبارت از خواستار تحقق چیزی که امکان وقوع دارد بشویم.	طلب آنچه مقدر شده که واقع شود

براساس مراجعه به کتاب‌های لغوی، «انتظار» به معنای ترتب و توقع، و چشم به راه داشتن به کار رفته است و «منتظر»، کسی است که چشم می‌دارد و کسی که انتظار می‌کشد (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۳، ص ۳۴۵۳-۳۴۵۴). نیز به معنای چشم به راه بودن و نگران بودن است (زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۷، ص ۵۳۹).

بر اساس تحلیل مولفه‌ای گوهر معنایی کلمه انتظار در کتاب‌های معجم المقایس اللغه و مفردات راغب، انتظار عبارت از حالتی نفسانی است مبتنی بر توجه کردن به یک چیز و آرزو و طلب کردن تحقق آن است (ابن فارس، ۱۳۹۹: ج ۲، ص ۱۳۱۶ و راغب اصفهانی، ۱۳۶۲: ص ۴۹۷).

### مولفه‌های مفهومی سازه انتظار در سطح گوهر معنایی

ردیف	کتاب	نویسنده	مفهوم
۱	معجم مقایس اللغه	ابن فارس	نَظَرَ وَهُوَ تَأَمَّلُ الشَّيْءِ وَمُعَايَنَتُهُ؛ نگاه با تامل.
۲	اقرب الموارد	سعید شرتونی	إِنْتَظَرَهُ: تَرَقَّبَهُ وَتَوَقَّعَهُ؛ چشم به راه بودن.
۳	تاج العروس	محمد بن محمد زبیدی	التَّوَقُّعُ: إِنْتَظَارُ الْوُقُوعِ؛ چشم به راه تحقق یک چیز.
۴	النهایه	ابن اثیر	انتظر: إِذَا ارْتَقَبْتَ حُضُورَهُ؛ چشم به راه حضورش شد.

۵	الفروق فی اللغة	حسن بن عبدالله عسکری	الانتظار: .. طلب ما یقدر ان یقع؛ طلب ان چه ممکن است محقق شود.
۶	العین	فراهیدی	إِنْتَظَرَ: وَقَفْتُ وَمَهَلْتُ؛ درنگ نمودم.
۷	لسان العرب	ابن منظور	إِنْتَظَرَ: وَقَفْتُ وَمَهَلْتُ؛ همان.

مولفه‌ها

۱. پدیده روانشناختی
۲. توجه کردن به یک شیء
۳. شیء مورد توجه دیده شود یا دیده نشود

## ۲. معانی استعمالی واژه انتظار

همان‌گونه که گفته شد، منظور از «معانی استعمالی»، کاربرد گوهر معنایی به همراه معنای جدید در میان عامه مردم است. البته وجود معانی استعمالی متعدد برای یک لفظ الزامی نیست و ممکن است یک واژه دارای چنین کاربردهایی باشد.

در کتاب اقرب الموارد در مورد معنای استعمالی انتظار آمده است: «انما انتظرالی الله ثم الیک ای انما اتوقع فضل الله ثم فضلک؛ منتظر الی الله هستم و سپس منتظر تو یعنی چشم به راه فضل الهی و سپس فضل تو هستم.» نیز: «انتظره: ترقبه و توقعه و فلانا: تانی علیه؛ چشم به راه فلانی بود» (شرتونی، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۱۳۱۶).

معنای استعمالی انتظار در کتاب اقرب الموارد، متوقع بودن و توقع داشتن امری عنوان شده که به معنای آرزوی تحقق پیدا کردن امری است. در کتاب نهایی ابن اثیر آمده است: «انتظر: ارتقب حضوره؛ چشم به راه حضورش بود» (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ج ۵، ص ۷۸) و در کتاب فروق اللغة آمده است: «الانتظار: التوقع و هو طلب ما یقدر ان یقع؛ طلب آنچه مقدر شده که واقع شود»

(عسکری، ۱۴۰۰: ص ۶۷) و در کتاب تاج العروس آمده است: «التوقع: انتظار الوقوع» (زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۷، ص ۵۳۹).

### ب) واژه‌های مرتبط

از واژه‌های مرتبط و هم‌ردیف انتظار، واژگان «ترجی» و «تمنی» (امید و آرزو) است. «ترجی» به معنای امیدوار بودن و از اقسام انشا و طلب است که فقط درباره ممکنات به کار می‌رود، بر خلاف «تمنی» که درباره هر دو امور ممکن و محال به کار می‌رود. تفاوت دیگر این که ترجی در امور قریب الوقوع است و تمنی در امور بعید. در کتاب موسوعه کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم درباره معنا و تفاوت معنایی تمنی و ترجی آمده است:

تمنی: طلب حصول الشيء کان ممکنا او ممتنعا؛ طلب تحقق چیزی را نمودن چه امکان وقوع داشته باشد یا امکان وقوع نداشته باشد (تهانوی، ۱۹۹۶: ج ۱، ص ۵۰۹) و متمنی کسی است که کار نکند و کاهلی پیش گیرد و رجا کسی است که کار بکند. ترجی: اظهار ارادة الشيء الممكن او کراهته، او ارتقاب شيء لاوثوق بحصوله و یدخل فی الارتقاب الطمع و الاشفاق فاطمع ارتقاب المحبوب و الاشفاق ارتقاب المکره و افرق بین ترجی و تمنی: لایشترط فی التمنی امکان التمنی فهو قد یکون ممکنا کما نقول لیت زیدا یحییء و قد یکون محال نحو لیت الشاب یعود بخلاف الترجی فانه یشرط فیہ امکان المرجو؛ ترجی به معنای اظهار خواستن یا نخواستن چیز ممکن است یا به معنای ارتقاب نسبت به چیزی که اطمینانی به تحقق آن نیست می‌باشد و در ارتقاب طمع داشتن و خوف داشتن مطرح می‌شود، طمع در امر محبوب و خوف از امر مکروه و فرق بین ترجی و تمنی عبارت است از این که در تمنی امکان تحقق متمنی شرط نیست و بعضی اوقات متمنی ممکن است مانند این که ما می‌گوییم ای کاش زید بیاید و گاهی محال است مانند ای کاش جوانی برگردد به خلاف ترجی که باید امکان تحقق امر مورد رجا باشد (تهانوی، ۱۹۹۶: ج ۱، ص ۵۰۹).

از دیگر واژه‌های مرتبط با انتظار می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

واژه	مترادف	معنا
انتظار	تأنی	درنگ کردن
	ترقب	چشم به راهی
	المکث	ایست و درنگ
	الصبر	شکیبایی
	التزئیق	پیوسته نگریستن در چیزی و انتظار کردن
	النظر	درنگ کردن و مهلت دادن
	العکم	چشم داشتن
	التلوم	درنگ کردن و چشم داشتن
	الارصاد	انتظار، چشم داشتن
	المماناة	درنگ داشتن و کسی را انتظار کشیدن

«انتظار» مصدر لازم است، نه متعدی و چون به باب افتعال رفته است، معنای «مطاوعه» می‌دهد و به معنای چشم داشتن، چشم به راه بودن است و اگر به عنوان اسم مصدر در نظر گرفته شود، به معنای چشم داشت و چشم داشتگی است.

آن چه باعث تمایز واژه «انتظار» از مترادف‌های آن می‌شود، وجود خاصیت «مطاوعه»، به معنای «تأثیر پذیری» است که از خصوصیات باب افتعال به شمار می‌رود. به این دلیل، معنای واژه انتظار «چشم به راه شدن» خواهد بود. نتیجه مطلب مذکور این که «انتظار» حالت و وصفی است که بر شخص متأثر از یک سلسله امور، مترتب می‌شود و بین وی و آنچه منتظر آن است، رابطه تأثیر و تأثر وجود دارد (الهی نژاد، ۱۳۹۶: ص ۴).

در کتاب شرح اصول کافی ملا صالح مازندرانی آمده است:

الرجاء حالة نفسانية موجبة لفرحها بسبب توقع حصول امر مطلوب سببه متوقع او مظنون او معلوم و یسمى الاخير الانتظار المطلوب ايضا والفرح فيه اشد و اما الرجاء والفرح بسبب توقع مطلوب علم عدم وقوع سببه فذلک غرور و حماقة؛ «رجا» حالتی نفسانی است که باعث شادی نفس می‌شود و علت این امر، انتظار حصول امر مطلوبی است که سبب آن انتظار می‌رود یا گمان می‌رود محقق شود یا قطعی است که محقق می‌شود و جایی که



سبب یک چیز قطعی الوقوع باشد، انتظار خوب نامیده می‌شود و شادی در این فرض شدیدتر است و اما امید و شادی به سبب انتظار امر خوبی که می‌دانیم سببش محقق نشده است، غرور و حماقت است.

الخوف حالة نفسانية موجبة لتالمها بسبب توقع مكروه سببه ممكن الوقوع او توقع فوات امر مرغوب فيه ولو كان وقوع سببه معلوما او مظنونا ظنا غالبا يسمى ذلك انتظار المكروه ايضا كما يسمى خوفا والتالم فيه ازید واما الخوف والتالم بسبب توقع المكروه علم قطعاً عدم وقوع شئ من اسبابه فذلك وسواس وماليخوليا؛ خوف حالت نفسانی است که سبب درد نفس می‌شود به سبب امکان تحقق مکروهی که سببش ممکن است تحقق یابد یا به سبب امکان از دست رفتن چیزی که خواسته شده است اگرچه سبب از دست رفتن یقینی یا ظنی باشد که این امر انتظار امر غیر مطلوب نامیده می‌شود همان طور که خوف نامیده می‌شود البته در انتظار درد بیش تر است اما خوف و درد در جایی که انتظار مکروهی برود که یقیناً می‌دانیم چیزی از اسبابش محقق نخواهد شد مالخولیا یا وسواس نامیده می‌شود (مازندرانی، ۱۳۸۲: ج ۸، ص ۲۰۵).

### مولفه‌های مفهومی معنای استعمالی سازه انتظار

الف) یک حالت روانی (پدیده روان شناختی)؛

ب) توجه به یک چیز؛

ج) علاقه و میل؛

د) علاقه و میل به تحقق چیزی؛

ه) علاقه و میل به تحقق امری خوب یا بد؛

و) علاقه و میل به تحقق امری خوب یا بد که امکان وقوع دارد؛

ز) علاقه و میل به تحقق امری خیر یا بد که مقدر شده است.

### ۳- معانی اصطلاحی واژه انتظار

الف) انتظار در متون تخصصی (متن مقدس)

آخرین محور بحث، بررسی معنای انتظار در متون تخصصی دینی است که باید بعد از توصیف آن، به تحلیل مولفه‌های آن اقدام کرد. این نکته بسیار مهم ضروری است در این محور مورد





بررسی قرار گیرد که ممکن است پدیده‌های روان شناختی به همان مفهوم استعمالی یا گوهر معنایی به معنای جدیدی به‌کار رفته و به عنوان یک اصطلاح جدید مورد استفاده قرار گرفته باشد. به تعبیر دیگر، مفهوم سازی در متون دینی اتفاق افتاده باشد و ملاک این امر عبارت است از این‌که چنانچه یک پدیده روان شناسی در متون دینی تعریف جدیدی داشته باشد که از آن مولفه مفهومی جدیدی غیر از مولفه‌های گوهر معنایی و معانی استعمالی به دست می‌آید؛ به عنوان یک اصطلاح جدید مطرح می‌شود؛ وگرنه به همان معنای به‌کار رفته در کاربردهای قبلی است.

در کتاب مکیال المکارم، «انتظار» این چنین تعریف شده است:

«و هو کیفیتة نفسانیة ینبعث منها التَّهَيُّو لما تنتظره، و ضده الیأس فکلما کان الانتظار اشدد کان التَّهَيُّو آکد...»؛ «انتظار»، کیفیتی روحی است که حالت آمادگی در انسان‌ها را برای آنچه انتظار دارند، باعث می‌شود و ضد آن یأس و ناامیدی است. هرچه انتظار بیش‌تر و هرچه شعله آن فروزان‌تر و پرفروغ‌تر باشد، تحرك و پویایی او و در نتیجه آمادگی نیز بیش‌تر خواهد بود (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۷: ج ۲، ص ۱۹۵).

#### ب) انتظار، در عرصه روایات

در این قسمت از بحث روایات وارد شده در زمینه انتظار بررسی و ذیل هر روایت به این امر پرداخته می‌شود که روایت مذکور به کدام یک از ابعاد روان شناختی انسان توجه کرده است:

قال الامام الصادق عليه السلام: «إِنْتَظِرِ الْفَرَجَ بِالصَّبْرِ؛ انتظار فرج با شکیبایی، عبادت است» (ابن بابویه، ۱۳۸۹: ج ۲، ص ۲۱۶).

این روایت در صدد بیان انگیزه انتظار فرج است و به بعد انگیزشی انتظار توجه دارد. صبر عامل آرزوی آینده‌ای درخشان است.

قال الإمام زين العابدين عليه السلام: «إِنْتَظِرِ الْفَرَجَ مِنْ أَعْظَمِ الْعَمَلِ؛ انتظار فرج از جمله بزرگ‌ترین اعمال انسان است» (صافی، ۱۳۹۳: ص ۲۴۴).

قال المعصوم عليه السلام: «إِنْتَظِرِ الْفَرَجَ مِنْ أَعْظَمِ الْفَرَجِ أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَارْتَبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ، فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ﴾ فَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّهُ إِنَّمَا يَجِيءُ الْفَرَجُ عَلَى الْيَأْسِ فَقَدْ كَانَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ أَصْبَرَ مِنْكُمْ؛ انتظار فرج از بزرگ‌ترین گشایش‌ها است آیا نشنیده‌ای



سخن خدوند عزوجل را که می‌فرماید: پس صبور باشید هرآینه امر فرج در حالت یاس از آن محقق خواهد شد، افرادی که قبل از شما بودند صبورتر از شما بودند» (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۶۴۵).

قال الإمام عليُّ بنُ الحسينِ عليه السلام: «إِنْتَظَرِ الْفَرَجَ مِنْ أَعْظَمِ الْفَرَجِ؛ انتظار فرج از بزرگ‌ترین گشایش‌هاست» (شیخ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۲۰).

این روایت در صدد تعریف انتظار فرج است و آن را نوعی گشایش در امور می‌داند و علاوه بر این، انتظار فرج را دارای بعد ارزشی می‌داند.

قال النبي صلى الله عليه وآله: «الْعِبَادَةُ إِنتِظَارُ الْفَرَجِ بِالصَّبْرِ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ص ۱۸).

این روایت انتظار فرج را شناختی از نوع عبادت و «صبر» را عامل انگیزشی آن می‌داند.

قال أميرالمؤمنين عليه السلام: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الصَّبْرُ وَالصَّمْتُ وَإِنْتَظَارُ الْفَرَجِ؛ برترین عبادت، صبر و سکوت و انتظار فرج است» (ابن شعبه، ۱۳۸۲: ص ۳۴۱).

این روایت شریف نیز انتظار فرج را عبادت می‌داند.

قال أميرالمؤمنين عليه السلام: «إِنْتَظَرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِنتِظَارُ الْفَرَجِ مَا دَاوَمَ (دام) عَلَيْهِ الْمُؤْمِنُ؛ منتظر فرج باشید و مایوس از رحمت‌الاهی نشوید پس هر آینه محبوب‌ترین اعمال در نزد الله عزوجل انتظار فرج است» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ص ۹۳).

از این روایت استنباط می‌شود انتظار، پدیده‌ای روان‌شناختی و حالتی روحی است؛ چراکه در برابر یاس که پدیده‌ای روان‌شناختی است، مطرح گردیده است.

در نامه امام حسن عسکری عليه السلام به علی بن بابویه (پدر شیخ صدوق) از پیامبر خدا صلى الله عليه وآله چنین نقل شده است: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنتِظَارُ الْفَرَجِ وَلَا يَزَالُ شَيْعَتُنَا فِي حُزْنٍ حَتَّى يَظْهَرَ وَلَدِي الَّذِي بَشَّرَ بِهِ النَّبِيُّ؛ بهترین اعمال امت من انتظار فرج است. پیوسته شیعیان ما در اندوه هستند تا این‌که فرزندم ظهور کند؛ کسی که پیامبر به او بشارت داده است...» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۰: ج ۴، ص ۴۲۵).

با توجه به این که انتظار در روایات دیگر، نوعی پدیده روان‌شناختی محسوب می‌گردد، منظور از عمل در این روایت شریف، نوعی حالت روان‌شناختی است و علاوه بر این امر، روایت در صدد بیان بُعد انگیزشی برای انتظار است و آن حزن برای تاخیر ظهور می‌باشد.



قال الإمام الكاظم عليه السلام: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ ائْتِظَارُ الْفَرْجِ؛ بِهَيْتَرِينَ عِبَادَتِ بَعْدَ اِزْ شِنَاخْتِنِ خِدَاوَنْد، اَنْتِظَارِ فَرْجِ وَ گِشَايشِ اسْت» (ابن شعبه، ۱۳۸۹: ص ۲۰۱).

«يَحِبُّ عَلَى الشَّيْعَةِ أَنْ يُرَابِطُوا أَنْفُسَهُمْ عَلَى إِطَاعَةِ الْإِمَامِ الْحَقِّ وَ اِنْتِظَارِ فَرْجِهِ وَ تَهَيُّؤًا دَائِمًا لِئُصْرَتِهِ؛ شِيْعِيَانِ مِي بَايَسْتِي پِيوسْتِه مَوَاطِبِ اطَاعَتِ اِزْ اِمَامِ حَقِّ وَ مَنْتِظَرِ فَرْجِ اَوْ بَاشَنْدِ وَ پِيوسْتِه اَمَادِه نَصْرَتِ اَوْ بَاشَنْد» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۰: ج ۴، ص ۴۲۵).

این روایت شریف در صدد بیان یکی از کارکردهای انتظار، یعنی آمادگی برای یاری صاحب الامر است.

قال الإمام الهادي عليه السلام: «تَوَقُّعُوا الْفَرْجَ مِنْ تَحْتِ أَقْدَامِكُمْ؛ چِشْمِ بِه رَاهِ تَحْقِيقِ اَمْرِ فَرْجِ دَرِ جَلْوِي چِشْمِ تَانِ بَاشِيد» (نعمانی، ۱۳۹۹: ص ۱۸۷).

این روایات شریف در صدد ایجاد اصطلاح یا مفهوم سازی است و نزدیک بودن امر مورد انتظار را به عنوان یکی از مولفه های انتظار مطرح می کند.

### مولفه های مفهومی سازه انتظار در متون تخصصی (متون اسلامی)

- الف) حالتی روانی (پدیده روان شناختی)؛
- ب) توجه به چیزی؛
- ج) علاقه و میل؛
- د) علاقه و میل به تحقق چیزی؛
- ه) علاقه و میل به تحقق امری خوب یا بد؛
- و) علاقه و میل به تحقق امری خوب یا بد که امکان وقوع دارد؛
- ز) علاقه و میل به تحقق امری خیر یا بد که مقدر شده است؛
- ح) علاقه و میل به تحقق امری خوب که مقدر شده است و به زودی تحقق یابد.

مولفه های مفهومی سازه انتظار در متون تخصصی همانند مولفه های مفهومی در کاربرد استعمالی است و تنها در آخرین مولفه، یعنی امر خوبی که به زودی تحقق می یابد؛ از کاربرد متمایز می شود. کاربرد کلمه «ترقب» برای امر فرج در متون روایی، امر انتظار را به عنوان امری خوب که نزدیک است تحقق یابد؛ مطرح می کند.



برداشت‌های گوناگون از معنای اصطلاحی واژه انتظار در مذهب شیعه

در مورد واژه «انتظار» شاهد دو نوع برداشت بسیار متفاوت هستیم: برداشت اول، ایجاد انفعال و واماندگی است. بدان معنا که انتظار انسان را به عزلت و اعتزال و انزوا بکشاند و منتظر دست روی دست بگذارد وضعیت فعلی را تحمل کند و به امید رسیدن به آینده مطلوب فقط انتظار بکشد.

برداشت دیگر این است که چشم به راهی و انتظار، باعث حرکت، پویایی و اقدام و آمادگی وسیع‌تر گردد. اینک سؤال این است که کدام یک از این دو برداشت مراد و مقصود بزرگان و رهبران دینی است؟

با مراجعه به متون روایی مشاهده می‌شود که معصومان علیهم‌السلام خیلی روشن و صریح با ارایه تصویری مناسب از انتظار، برداشت اول را باطل و مردود دانسته و برای این که هرگز آن معنا به ذهن مخاطب خطور نکند، به قسمت مهم و اساسی مفهوم انتظار اشاره کرده‌اند که انتظار، «عمل» است؛ آن هم افضل و بزرگ‌ترین اعمال یا «عبادت» است؛ آن هم محبوب‌ترین عبادت (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۳۶). اساساً این، نکته قاعده‌ای عقلی و منطقی است: آن کس که وضعیت موجود را نمی‌پذیرد و تحمل نمی‌کند، در انتظار گشایش است: «من انتظر امراً تهيأ له» (حیدری نیک، ۱۳۸۸: ص ۱۶-۱۷).

شیعه با بهره‌گیری از آموزه‌های اهل بیت، امید و انتظار به آینده را در متعالی‌ترین نوع خود، فرا راه انسان‌های آزاد اندیش و آزادی خواه قرار داده است و از آن با اصطلاحی لطیف و پر معنا، باعنوان «انتظار فرج» یاد می‌کند.

«فَرَجٌ»، کلمه‌ای عربی و به معنای گشایش و رهایی است. در عربی، دعای «فَرَجَ اللهُ عَمَّكَ» به معنای این است که خدا تو را از غم رهایی بخشد (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۳۴۱). مراد از فرج در ترکیب اضافی «انتظار فرج» که در فارسی مصطلح است، رهایی و گشایشی است که با ظهور واپسین ذخیره‌الاهی، امام دوازدهم برای مردمان دنیا روی می‌دهد.

همان‌گونه که گفته شد، انتظار از ریشه «نَظَرَ» به معنای مشاهده کردن، بینایی، پیش بینی، دوراندیشی، محبت، حمایت و پشتیبانی آمده است؛ که وقتی به باب افتعال برود، به معنای قبول محبت، قبول دوراندیشی است؛ و چنانچه قید فرج به آن ضمیمه گردد، آن مشاهده،



اندیشه و محبت نسبت به فرج در آینده همراه خواهد بود. فرجی که در روایات، رهایی از قید و بند ستم‌ها و ظلم‌های خانمان سوزی ترسیم شده که از ناحیه زورگویان و یاهو سرایان بر پیکر آدمیان و عالمیان رفته است؛ چنان که در ابتدای خطبه ۱۳۸ نهج البلاغه آمده است:

يَغْطِفُ الْهُوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَظَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهُوَى وَيَغْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَظَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ...؛ خواهش نفسانی را به هدایت آسمانی باز می‌گرداند و آن، هنگامی است که [مردم] رستگاری را تابع هوا ساخته‌اند و رأی آنان را پیرو قرآن کند و آن، هنگامی است که قرآن را تابع رأی خود کرده‌اند....

بنابراین، «انتظار فرج» در عرصه «مهدویت» عبارت است:

از ایمان استوار بر امامت و ولایت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف و چشم به راه بودن برای ظهور آن واپسین حجت الاهی و آمادگی برای برپایی حکومت صالحان در سراسر گیتی. از نظر «شیعه»، مسئله مهدویت و نوید ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشريف یکی از مسایل بسیار حیاتی اسلام به شمار می‌رود و به اندازه‌ای اهمیت دارد که اعتقاد به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف در ردیف وقوع «قیامت» و تکذیب و تصدیقش در ردیف تکذیب و تصدیق رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد (هاشمی، ۱۳۸۴: ص ۶۳).

مطابق آیات و روایات و مستندات دینی، انتظار فرج از انتظار معمول فراتر است؛ یعنی انتظاری است همراه با آگاهی، بصیرت و معنویت و در واقع نوعی تدارک و تمهید برای تزکیه نفس و حیات طیبه و آمادگی برای حرکتی آگاهانه و هدفمند و زمینه سازی برای ایجاد دگرگونی مثبت و گسترده با حضور در نهضت عظیم مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشريف که آغاز آن ظهور نور است و پایان آن شکست تاریکی و نتیجه آن برپایی حکومت عدل الاهی.



## نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین امور در پژوهش‌های دینی «مفهوم‌شناسی» است. مفهوم‌شناسی واژه‌ها در هر تحقیق و پژوهش، طریقی برای راهیابی به معنای مورد نظر گوینده یا نویسنده است. این روش، به‌ویژه در مبحث انتظار، به دلیل نقش فوق‌العاده انتظار در تأمین سعادت جاودانه بشر و آینده او، اهمیتی دوچندان می‌یابد. انتظار اگرچه از جهتی یک واژه قلمداد می‌گردد؛ از دیدگاه موعودشناسی از حد یک واژه فراتر رفته و دارای ارزش و جایگاهی ویژه است و نماینده یکی از آموزه‌های مهم اسلامی به شمار می‌رود.

سازه انتظار، پدیده‌ای روان‌شناختی است که در متون تخصصی و متون دینی به آن پرداخته شده است. شناخت این پدیده روان‌شناختی نیازمند طی پروسه سه مرحله‌ای است: «تعریف سازه»، «کشف مولفه‌های مفهومی» و «ساخت مقیاس». تعریف سازه یا تحقیق کیفی یک سازه نیز در مراحل سه‌گانه «گوهر معنایی»، «معانی استعمالی یا معنای استعمالی» و «معنای اصطلاحی» مطرح می‌گردد و «معانی اصطلاحی» در بین دانشمندان یک فن یا متون تخصصی مطرح می‌شود. بنابراین، برای رسیدن به جایگاه دقیق معنایی واژه انتظار، علاوه بر واژه‌شناسی، بررسی دقیق مدلول استعمالی و اصطلاحی و نیز بررسی جایگاه آن در کل نظام معنایی ضروری است. «انتظار موعود»، از مفاهیم چند مولفه‌ای است و برای این‌که تصویر دقیقی از این مفهوم حاصل گردد، بررسی دقیق مولفه‌های مختلف آن، ضروری می‌نماید.

انتظار به معنای لغوی، یعنی متوقع بودن و چشم به راهی، خودبه‌خود ارزش ندارد، بلکه چشم به راهی و انتظار با توجه به موضوع و متعلق آن قابل ارزشیابی است و به تناسب آن دارای ارزش مثبت یا منفی خواهد بود.

انتظار در معنای «اصطلاحی»، حالتی نفسانی و صفتی قلبی است که از توجه و علاقه به تحقق امری خوب یا بد حکایت دارد و در معنای «استعمالی» حصول امر مطلوبی است که سبب آن انتظار می‌رود یا گمان می‌رود محقق شود یا قطعی است که محقق می‌شود. بنابراین انتظار به مفهوم عالی آن صرفاً توصیه‌ای دینی و مذهبی و یا حالتی روحی روانی معمول نیست، بلکه اصلی فطری و لازمه حیات انسانی است که اگر به گونه‌ای صحیح تبیین و تفسیر شود، مایه پویایی، حرکت و تحول روحی و اخلاقی و نشاط معنوی و مانع رکود فکری، انحطاط روحی و اخلاقی و انزوای سیاسی اجتماعی می‌گردد.



## منابع

### قرآن کریم

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷). *النهایه*، محقق: طناحی محمود محمد و زاوی طاهر احمد، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵). *کمال الدین و تمام النعمه*، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، مترجم: محمد صالح قزوینی، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران.
۴. ابن شعبه، حسن بن علی (۱۳۸۹). *تحف العقول*، مترجم: علی اکبر میرزایی، قم، صالحان.
۵. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۰). *المناقب*، قم، نشر علامه.
۶. ابن فارس، احمد (۱۳۹۹ق). *معجم مقاییس اللغه*، قم، دارالفکر.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۲۶ق). *لسان العرب*، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۸. الهی نژاد، حسین (پاییز ۱۳۹۶). «بازشناسی مفهومی انتظار با رویکرد عام و خاص از منظر شیعه و اهل سنت» فصلنامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی.
۹. انطون، الیاس (۱۳۷۷). *فرهنگ نوین عربی - فارسی*، مترجم: مصطفی طباطبائی، تهران، اسلامیه.
۱۰. پسندیده، عباس (بهار و تابستان ۱۳۹۶). «روشن مفهوم شناسی موضوعات اخلاقی و کاربردی آن در مفهوم حیا»، دوفصلنامه علمی پژوهشی اخلاق و حیانی، سال پنجم، شماره دوم.
۱۱. تهانوی، محمد علی بن علی (۱۹۹۶م). *موسوعه کشف اصطلاحات الفنون و العلوم*، مترجم: عبدالله خالدی و جورج زیناتی، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون.
۱۲. حیدری نیک، مجید (۱۳۸۸). *نگاهی دوباره به انتظار*، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۱۳. الخوری الشرتونی، سعید (۱۴۰۳ق). *اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد*، قم، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی رحمته الله علیه.
۱۴. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت نامه دهخدا*، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۶۲). *المفردات راغب*، قم، مکتبه المرتضویه.
۱۶. راوندی، قطب الدین (۱۴۰۷ق). *الدعوات*، قم، مدرسه الامام المهدی.
۱۷. زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق). *تاج العروس*، لبنان، دارالفکر.
۱۸. سیدرضی، محمد (۱۳۷۹). *نهج البلاغه*، مترجم: محمد دشتی، قم، مشهور.
۱۹. صافی، لطف الله (۱۳۹۳ق). *منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر فرجه الشریف*، قم، نشر دفتر تنظیم و نشر آثار آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی.
۲۰. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۶۷). *تفسیر المیزان*، قم، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی.

۲۱. طریحی، فخرالدین محمد (۱۹۸۹م). *مجمع البحرین*، بیروت، دار و مکتبه الهلال.
۲۲. عدنانی، محمد (۱۹۹۹م). *معجم الأغلط اللغویة المعاصره*، لبنان، مکتبه لبنان.
۲۳. عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق). *الفروق فی اللغة*، بیروت، دار الافاق الجدیده.
۲۴. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). *کتاب العین*، محقق: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم، موسسه دارالهجره.
۲۵. کلینی، محمد (۱۴۰۷ق). *الکافی*، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمدآخوندی، تهران، دار الکتب اسلامیة.
۲۶. لیثی واسطی، ابوالحسن (۱۳۷۶). *عیون الحکم والمواعظ*، قم، دارالحديث.
۲۷. مازندرانی، ملا صالح (۱۳۸۲). *شرح أصول الکافی*، تهران، المکتبه الاسلامیه للنشر والتوزیع.
۲۸. مسائلی احمد (۱۳۹۶). *نظریه تفسیری محی الدین عربی*، اصفهان، کانون پژوهش.
۲۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰). *تاریخ نبی اکرم ﷺ*، اصفهان، کانون پژوهش.
۳۰. مصطفوی حسن (۱۳۸۵). *التحقیق فی کلمات القرآن*، تهران، نشر آثار علامه مصطفوی.
۳۱. معلوف، لوییس (۱۳۸۶). *فرهنگ دانشگاهی عربی به فارسی*، مترجم: احمد سیاح، تهران، نشر فرحان.
۳۲. موسوی اصفهانی، محمدتقی (۱۳۸۷). *مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم عجل الله تعالی فرجه الشریف*، مترجم: حائری قزوینی، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران.
۳۳. نعمانی، محمدبن ابراهیم (۱۳۷۶). *ترجمه و متن غیبت نعمانی*، مترجم: محمدجواد غفاری، نشر صدوق.